

اخبار

بانک جهانی: بدهی خارجی ایران

به ۹ میلیارد دلار کاهش یافت

بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود از وضعیت بدهی کشورهای در حال توسعه اعلام کرد که کل بدهی این کشورها در سال ۲۰۲۴ با رشد ۱۰٫۱ درصدی نسبت به سال قبل از آن، مواجهه شده‌است. بدهی خارجی این کشورها در سال ۲۰۲۴ به ۸٫۹ تریلیون دلار رسیده که این رقم، ۱۱۰ میلیارد دلار نسبت به سال ۲۰۲۳ (۲۰۲۳ افزایش داشته‌است. در حالی که کل بدهی کشورهای در حال توسعه طی سال ۲۰۲۴ رشد ۱۰٫۱ درصدی داشته، بدهی خارجی ایران در این سال ۲٫۵ درصد کاهش پیدا کرده‌است. بدهی خارجی ایران در سال ۲۰۲۳ بالغ بر ۹٫۸۰۱ میلیون دلار بوده که بر اساس محاسبه بانک جهانی این رقم در سال ۲۰۲۴ با کاهش ۲۴۷ میلیون دلاری به ۹٫۶۵۴ میلیون دلار در سال ۲۰۲۴ رسیده‌است. با وجود این‌که ایران تحت تحریم‌های غیرقانونی غرب قرار دارد، طی سال‌های اخیر بدهی خارجی این کشور نه فقط افزایش نیافته، بلکه ایران توانسته رقم بدهی خارجی خود را کاهش داده و از ۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ به حدود ۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ برساند. بدهی خارجی ایران در مقایسه با کل بدهی کشورهای در حال توسعه رقم ناچیزی محسوب می‌شود. در واقع بدهی خارجی ایران حدود یک‌هزارم کل بدهی ۸٫۹ تریلیون دلاری این کشورها است. بدهی بلندمدت ایران در پایان سال ۲۰۲۴ بالغ بر ۱۰۰۵۱ میلیون دلار بوده که این رقم نسبت به سال قبل از آن، ۶۸ میلیون دلار کاهش داشته‌اما مادی کوتاه مدت ایران در سال ۲۰۲۴ نسبت به سال قبل از آن تغییری نداشته و در سطح ۲۰،۲۸۵ میلیون دلار باقی مانده‌است. در اوت سال ۲۰۲۱، صندوق بین‌المللی پول اجازه دسترسی ایران به اعتبارات این صندوق موسوم به SDR را صادر کرد و ایران به بیش از ۶ میلیارد دلار منابع ارزی از این طریق دسترسی پیدا کرد. کل اعتبارات پرداختی به ایران توسط صندوق بین‌المللی پول در پایان سال ۲۰۲۴ بالغ بر ۶۰۳۱۸ میلیون دلار بوده که این رقم نسبت به سال قبل از آن، ۱۸۲ میلیون دلار کاهش داشته‌است. بر اساس این گزارش، ایران در سال گذشته میلادی ۱۴ میلیون دلار به عنوان بهره بدهی‌های خود پرداخت کرده‌است.

رشد ۴۶ درصدی تسهیلات

بانکی در ۷ ماهه ۱۴۰۴

شبکه بانکی طی هفت ماهه ابتدایی سال ۱۴۰۴ مبلغ ۵ هزار و ۴۶۹ همت تسهیلات پرداخت کرده‌است که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ یک هزار و ۷۲۴ همت معادل ۴۶۰٫۱ درصد افزایش داشته‌است. یک هزار و ۳۰۵ همت از این تسهیلات به همراه بخشی از تسهیلات در قالب کارت‌های اعتباری معادل ۲۴۶٫۴ درصد به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته‌است. تسهیلات پرداختی بانک‌ها طی ۷ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۴ مبلغ ۵۶۴۹۰٫۲ هزار میلیارد ریال می‌باشد که در مقایسه با دوره مشابه سال قبل مبلغ ۱۷۲۲۶۰٫۴ هزار میلیارد ریال (معادل ۴۶۰٫۱ درصد) افزایش داشته‌است. از کل تسهیلات پرداختی، مبلغ ۴۱۶۳۸۰٫۲ هزار میلیارد ریال معادل ۷۶۰٫۱ درصد به صاحبان کسب و کار (فوق‌حقوقی) و ۱۳۰۵۵۰٫۹ هزار میلیارد ریال معادل ۳۳٫۹ درصد به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) تعلق گرفته‌است. گزشتی است تسهیلات پرداختی ۷ ماهه سال ۱۴۰۳ مبلغ ۴۶۷۱۶٫۵ هزار میلیارد ریال بوده‌است که با در نظر گرفتن تعدیلات صورت پذیرفته توسط شبکه بانکی به مبلغ ۳۷۴۴۷٫۸ هزار میلیارد ریال افزایش یافته‌است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب سرمایه در گردش در کلیه بخش‌های اقتصادی طی ۷ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۴ مبلغ ۳۳۵۹۷۰٫۳ هزار میلیارد ریال معادل ۸۳۰٫۱ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. همچنین سهم تسهیلات پرداختی در قالب خرید کالای شخصی توسط مصرف کننده نهایی (خانوار) مبلغ ۵۳۱۵۶ هزار میلیارد ریال هزار میلیارد ریال معادل ۴۰۰٫۷ درصد از کل تسهیلات پرداختی به مصرف کنندگان نهایی (خانوار) می‌باشد. سهم تسهیلات پرداختی بابت تأمین سرمایه در گردش بخش صنعت و معدن در ۷ ماهه ابتدای سال ۱۴۰۴ معادل ۱۵۷۸۸۰٫۱ هزار میلیارد ریال بوده‌است که حاکی از تخصیص ۴۵۶ درصد از منابع تخصیص یافته به سرمایه در گردش کلیه بخش‌های اقتصادی (مبلغ ۳۳۵۹۷۰٫۳ هزار میلیارد ریال) می‌باشد. ملاحظه می‌شود از ۱۷۶۲۸۰٫۲ هزار میلیارد ریال تسهیلات پرداختی در بخش صنعت و معدن معادل ۸۹۰٫۲ درصدان (مبلغ ۱۵۷۸۸۰٫۱ هزار میلیارد ریال) در تأمین سرمایه در گردش پرداخت شده‌است که بیانگر توجه و اولویت‌دهی به تأمین منابع برای این بخش توسط اقتصاد (مبلغ ۳۳۵۹۷۰٫۳ هزار میلیارد ریال) می‌باشد. ملاحظه می‌شود از ۱۱۴۰۵ هزار میلیارد ریال معادل ۲۱۰٫۱ درصد به صورت تسهیلات خرد اعطا شده‌است. همچنین مبلغ ۵۴۸۶ هزار میلیارد ریال نیز در قالب کارت‌های اعتباری انجام پذیرفته‌است، که با احتساب این مبلغ، کل تسهیلات پرداختی خرد (کمتر از سه میلیارد ریال) به مبلغ ۱۲۱۱۴۰٫۳ هزار میلیارد ریال معادل ۲۱۰۹ درصد کل تسهیلات پرداختی را شامل می‌شود. شایان ذکر است با توجه به اینکه تسهیلات پرداختی در قالب کارت‌های اعتباری نیز در بخش خانوار پرداخت شده‌است، باین اوصاف سهم بخش خانوار از ۲۳٫۹ درصد به ۲۴٫۶ درصد کل تسهیلات پرداختی افزایش می‌یابد. شایان ذکر است که همچنان باید در تداوم مسیر جاری، ملاحظات مربوط به کنترل تورم را نیز در نظر گرفت و همواره مراقب قدرت گرفتن پتانسیل تورمی ناشی از فشار تقاضای کل در اقتصاد نیز بود. بر این اساس ضروری است به افزایش توان مالی بانک‌ها از طریق افزایش سرمایه و بهبود کفایت سرمایه بانک‌ها، کاهش تسهیلات غیرجاری و بازگرداندن آنها به مسیر صحیح اعتباردهی بانک‌ها، افزایش بهره‌وری بانک‌ها در تأمین سرمایه در گردش تولیدی، بهره‌یز از فشارهای ضاعف بر دارایی بانک‌ها و ترغیب بنگاه‌های تولیدی به سمت بازار سرمایه به عنوان یک ابزار مهم در تأمین مالی طرح‌های اقتصادی (ایجاد) توجه ویژه‌ای کرد.

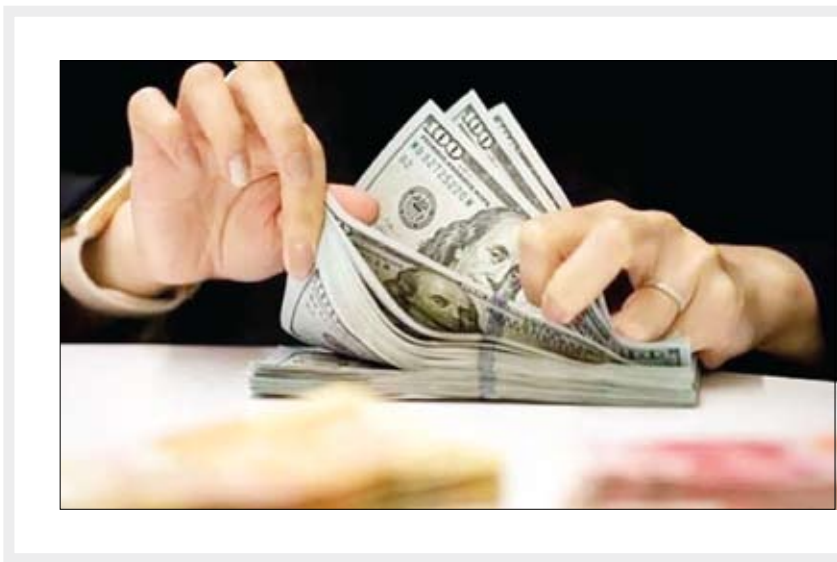
افزایش نرخ دلار نمی‌تواند بر تورم کالاهای اساسی اثر گذار باشد



محمد شیرپنجهان، معاون سیاست گذاری پولی بانک مرکزی در پاسخ به این سوال که اثر دلار ۱۲۶ هزار تومانی در تورم چه ماهی از فصل زمستان دیده می‌شود و این روند افزایش نرخ دلار چه میزان منجر به افزایش نرخ تورم می‌شود، اظهار داشت: باید توجه داشت که کالاهای اساسی مردم و همچنین ملزومات تولیدی بر اساس نرخ ارز بازار تأمین نمی‌شود، بلکه بانرخ دلار مرکز مبادله بانرخ ارز تالار اول یا تالار دوم و همچنین ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تهیه می‌شود، بنابراین نمی‌تواند افزایش نرخ دلار بر تورم کالای اساسی اثر گذار باشد. وی در پاسخ به سوال که اگر اینطور است پس چرا امروز گوشت قرمز با قیمت هر کیلو یک میلیون تومان در بازار به دست می‌رسد؟ گفت: متأسفانه بخشی از این موضوع به این برمی گردد که تنظیم بازار به درستی انجام نمی‌شود و گرانه این کالاهادر تالار اول مرکز مبادله تأمین می‌شود. بخشی دیگر هم به موضوع انتظارات برمی گردد که اثر گذار است و هم تولید کننده و هم فعال اقتصادی و هم فروشنده و هم مصرف کننده براساس انتظارات آینده برای افزایش نرخ قیمت‌ها رفتار می‌کنند از این رو هم تقاضا افزایش پیدا می‌کند و فروشنده هم ممکن است کالای خود را با قیمت بالاتری به فروش برساند. معاون بانک مرکزی تأکید کرد: به همین دلایل است که هدف گذاری تورمی نداریم چرا که می‌دانیم پدیده‌های اقتصادی اثر گذار هستند.

«تجارت» به یکی از ابعاد مهم اختلاف نرخ ارز رسمی و آزاد می‌پردازد؛

تجارت خارجی قربانی ارز چندنرخ‌ی



موجود است و نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه پیچیدگی آن را بیشتر می‌کند. وقتی سیاست‌گذاری به جای اصلاح ریشه‌ای، تمرکز بر مدیریت سطحی دارد، نتیجه آن ادامه یافتن همان مشکلات با ظاهری متفاوت است. عرضه ارز فوق‌الذسازان در تالار دوم نمونه‌ای از همین سیاست‌های نمایشی است. این اقدام نه انگیزه صادرات را افزایش داده و نه توانسته ساختار نادرست بازگشت ارز را اصلاح کند. صادرکنندگان بزرگی که قرار بود با این سیاست تشویق شوند، همچنان از این که از خود را بانرخ‌هایی غیرواقعی عرضه کنند ناراضی‌اند و این ناراضی‌ها در تصمیمات آینده‌آنان برای صادرات تأثیر مستقیم گذاشته‌است. در کنار این تحولات، تورم نیز بهانه‌ای برای توجیه سیاست‌های چندنرخ‌ی شده‌است. برخی سیاست‌گذاران ادعا می‌کنند که در شرایط تورمی، تکنرخ‌ی شدن ارز ممکن نیست، اما نگاهی به تجربه کشورهای مانند ترکیه و امارات نشان می‌دهد که حتی در نرخ‌های بالای تورمی نیز می‌توان با ثبات در سیاست‌گذاری ارزی و عدم دخالت دستوری، نرخ ارز را تکنرخ‌ی نگه داشت و تجارت خارجی را تقویت کرد. این کشورها با پذیرش واقعیت‌های اقتصادی و سپردن نقش اصلی به مکانیزم بازار توانسته‌اند ثبات و پیش‌بینی‌پذیری را به اقتصاد خود بازگردانند. تفاوت ایران با این کشورها نه در میزان تورم بلکه در روش مواجهه با آن است. در ایران دولت به جای پذیرش نرخ واقعی و حرکت به سمت تکنرخ‌ی کردن ارز، تلاش می‌کند با نمایش ارزش پول ملی را حفظ کند. این تلاش، مشابه نگه داشتن فتری است که دیر یا زودرها خواهد شد و با شدت بیشتری به اقتصاد ضربه می‌زند.

شده واردات به جای آن که مکمل تولید باشد، به رقیب جدی تولید داخلی تبدیل شود. تولیدکننده‌ای که از هیچ امتیاز ارزی برخوردار نیست و هزینه‌هایش بر مبنای نرخ آزاد محاسبه می‌شود، چگونه می‌تواند با واردکننده‌ای که بازارآرزان کالا وارد می‌کند رقابت کند؟ این مسئله نه تنها انگیزه تولید را کاهش داده، بلکه در سال‌های اخیر موجب عقب‌گرد بخشی از صنایع داخلی شده‌است.

▪ دولت؛ سرکوب کننده نرخ ارز

در تحلیل این وضعیت، برخی کارشناسان دولت را متهم به استفاده از سیاست «سرکوب نرخ ارز» می‌کنند؛ سیاستی که بابت حفظ ارزش پول ملی اجرا می‌شود اما در عمل نتیجه‌ای معکوس به بار می‌آورد. واقعیت آن است که ارزش پول ملی را نه با تعیین دستوری نرخ ارز، بلکه با اصلاح ساختارهای اقتصادی، کنترل نقدینگی، افزایش بهره‌وری و تقویت رشد اقتصادی می‌توان حفظ کرد. تجربه ۵۵ سال گذشته نشان می‌دهد که نرخ ارز غیررسمی در ایران بیش از ۱۹ هزار برابر شده‌است؛ عددی که نشان می‌دهد هر گونه تلاش برای نگه داشتن نرخ ارز به شکلی مصنوعی، دیر یا زود با یک جهش سنگین پاسخ می‌دهد این جهش هالهٔ تهاور مرآتشند می‌کنند بلکه اعتماد مردم و فعالان اقتصادی را به تصمیمات دولت از بین می‌برند در چنین شرایطی، دولت برای مدیریت شکاف ارزی به سیاست‌های جدیدی مانند ایجاد تالارهای ارزی یا الزام صنایع بزرگ به عرضه ارز در سامانه‌های رسمی متوسل شده‌است. اما این سیاست‌ها در اصل تنها شکل ظاهری مسئله را تغییر داده‌اند، ماهیت آن را ایجاد تالار دوم یا سوم ارزی افزودن نرخ‌های جدید به سیستم چندنرخ‌ی

تجارت

اصلاح بانک‌های ناتراز، کلید تقویت انضباط پولی



بیر کنترل تورم و نقدینگی گفت: حجم نقدینگی کشور اکنون به ۱۱ هزار و ۵۸۰ هزار میلیارد تومان رسیده که بخش عمده آن توسط نظام بانکی خلق شده‌است. صفا بیان کرد: پول ناسالم عمدتاً از سوی بانک‌های ناتراز و با رفتارهای پرخطر آنها از جمله حجم بالای مطالبات غیرجاری ناشی از تسهیلات اعطایی به شرکت‌ها و مجموعه‌های ذی‌نفع خود بانک، ضف در ارزیابی اعتباری، وابستگی به منابع کوتاه‌مدت و بی‌ثبات و جذب سپرده با نرخ‌های بالا و خارج از چارچوب مصوب بانک مرکزی صورت گرفته‌است. برای مثال، در شعب مؤسسه اعتباری ملل تبلیغات گسترده‌ای برای نرخ‌های سود غیررسمی و بالاتر از نرخ‌های مصوب مشاهده می‌شود که نتیجه رقابت ناسالم است. وی افزود: بخش اصلی این رفتارها ناشی از ورود بانک‌های ناتراز به فعالیت‌های

احمد رضا صفا، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی در گفت‌وگو با خبرنگار اینا با اشاره به فرآیند اصلاح بانک‌های ناتراز اظهار کرد: بانک مرکزی طی سه سال گذشته اقدامات مهمی برای اصلاح بانک‌های ناتراز انجام داده‌است که مهمترین آن ورود بانک آینده به فرایند گزیری با فاصله بود که تصمیمی کاملاً صحیح و به جایی است. البته اگر این فرایند دو سال قبل که بانک مرکزی طرح کرده بود، انجام می‌شد، اصلاح مؤثرتر و با زیان کمتری را شاهد بودیم و می‌توانست جلوی بخش بزرگی از زیان انباشته و آسیب آن به اقتصاد کشور را بگیرد. وی عنوان کرد: بر اساس گزارش‌های منتشر شده، بانک آینده به تنهایی نزدیک به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان زیان به اقتصاد کشور تحمیل کرده‌است. بنابراین، برخورد با بانک‌های ناتراز باید با جدیت ادامه یابد و سایر بانک‌ها و مؤسساتی که شاخص‌های عملکرد دشان در وضعیت بحرانی قرار دارد، به طور قاطع وارد فرایند اصلاح شوند. عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی با اشاره به تأثیر اصلاح بانک‌های ناتراز

خلأهای نظارتی عامل اصلی جهش قیمت‌ها است

هدفمندتری توزیع کند. بغزبان همچنین به نقش بانک مرکزی در کنترل نرخ ارز اشاره کرد و گفت: افزایش نرخ ارز یکی از عوامل اصلی تورم است. اگر بانک مرکزی بتواند نرخ ارز را کنترل کند، بسیاری از مشکلات مرتبط با افزایش قیمت‌ها حل خواهد شد. همچنین، تخصیص ارز برای تهیه شده‌است، یکی از مهم‌ترین مزیای آن، جبران افزایش منظم و برنامه‌ریزی شده انجام شود تا کمبودها و افزایش قیمت‌ها به حداقل برسد. وی با تأکید بر اینکه همکاری همه دستگاه‌ها در این زمینه ضروری است،



قیمت‌ها مواجه می‌شوند؛ بنابراین، تشدید نظارت بر قیمت‌ها می‌تواند به عنوان یک راهکار اصلی برای کنترل تورم و حمایت از معیشت خانوارها مورد توجه قرار گیرد. این کارشناس اقتصادی با اشاره به اینکه در جلسه هیئت دولت، موضوع حمایت معیشتی و کاهش فشارهای تورمی مطرح شده‌است، گفت: دولت قول داده‌است که از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط، نظارت بر قیمت‌ها را تشدید کند. این اقدام می‌تواند مانع از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها شود و به طور هم‌زمان، دولت بتواند بارانه‌ها را به شکل

پرداخت به موقع وام از دواج اولویت تیم اقتصادی دولت باشد



زهره خدادادی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با انتقاد از پرداخت وام ازدواج از سوی بانک‌ها اشاره کرد و گفت: بانک‌ها باید به تعهدات خود نسبت به پرداخت وام‌های خرد و تکلیفی عمل کنند، اما اکنون این اتفاق نمی‌افتد و می‌بینیم جوانانی که می‌خواهند ازدواج باید حدود یکسال در صف پرداخت وام ازدواج قرار بگیرند و این موضوع اصلاً قابل قبول نیست. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: اینکه زوجین باید برای دریافت وام ازدواج حدود یکسال در صف بمانند و عده‌ای از افراد بدون طی کردن مراحل اداری مصوب شده وام‌های کالانی دریافت کنند جز اختلال در نظام بانکی عائدی دیگری در بر نخواهد داشت و اگر شاهد ناترازی‌ها در سیستم بانکی هستیم به دلیل همین دیدگاه‌ها و نگاه‌هایی هست که وجود دارد. وی بیان کرد: قطعاً جوانان با دریافت به موقع وام ازدواج می‌توانند بخشی از زندگی خود را اسرپا کنند و زندگی مشترک را زیر یک سقف شروع کنند؛ بنابراین امیدوارم دولت و بانک مرکزی و وزارت اقتصاد با نگرانی لازم را برای پرداخت وام ازدواج داشته باشند تا جوانان در گیر و دار بروکراسی‌های پیچیده بانکی قرار نگیرند. خدای عنوان کرد: تعویق در پرداخت وام ازدواج کالایه‌های زوجین را به دنبال داشته‌است و این به گونه‌ای بوده که در مراجعات به ما چنین موضوعی مطرح می‌شود.

گروه اقتصاد کلان: اختلاف فزاینده میان نرخ رسمی ارز و نرخ بازار آزاد در اقتصاد ایران دیگر یک موضوع مقطعی یا یک نوسان گذرا نیست؛ بلکه به «ساختار» تبدیل شده‌است، ساختاری که بر تمام لایه‌های تولید، تجارت، سرمایه‌گذاری و حتی رفتار اجتماعی سایه انداخته‌است. به گزارش تجارت، امروز که فاصله میان نرخ رسمی و نرخ بازار آزاد به بیش از ۵۰ هزار تومان رسیده، سخن گفتن از تجارت سالم، صادرات رقابتی و حتی تولید با ثبات، بیشتر شبیه آرزو است تا یک برنامه قابل تحقق. این شکاف ارزی نه تنها یک علامت هشدار درباره وضعیت اقتصاد کلان است، بلکه در عمل اقتصاد ایران را در چرخه‌ای معیوب‌آزانت، سرکوب‌نرخ، سیاست‌های دستوری و، در نهایت بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی گرفتار کرده‌است. در ظاهر، اختلاف میان عدد شاید امری ساده به نظر برسد. اما این اعداد، پایه تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی‌اند؛ تصمیماتی که سرنواشت صادرات، واردات، تولید و حتی آینده ارزش پول ملی را رقم می‌زنند. هنگامی که دولت سال‌ها تلاش کرده نرخ ارز را «هدیریت» کند، این مدیریت در عمل به معنای سرکوب‌نرخ واقعی و ایجاد یک نرخ رسمی شده که هیچ‌گونه ارتباطی با واقعیت اقتصاد ندارد؛ نتیجه آن است که صادرکننده ایرانی، که کالا یا خدمات خود را با هزینه‌هایی تمام شده در مبنای ارز آزاد تولید می‌کند، مجبور است ارز حاصل از صادرات را با نرخ‌هایی بسیار پایین‌تر در سامانه‌های رسمی عرضه کند. در مقابل، واردکننده‌ای که با ریسک بانرخ‌تری نسبت به صادرکننده فعالیت می‌کند، گاه از ارزی‌تر ترجیحی و رانتی برخوردار است و پس از واردات، کالا را بانرخ آزاد در بازار داخلی عرضه می‌کند. این معادله معیوب، تجارت خارجی را به جای آن که موتور محرک تولید باشد، به نیروی بازدارنده آن تبدیل کرده‌است. برای فهم عمق کل مسئله، باید به فرآیندهای واقعی تولید و تجارت نگاه کرد. تولیدکننده داخلی هنگام تهیه مواد اولیه، انرژی، دستمز دحمل و نقل و تجهیزات، همه هزینه‌ها را بر اساس نرخ ارز بازار آزاد محاسبه می‌کند. این در حالی است که بخش عمده سیاست‌های ارزی دولت صادرکننده را مجبور می‌کند ارز حاصل از صادرات را با نرخ‌ی کمتر از بازار آزاد عرضه کند؛ نرخ‌هایی که گاهی چنددهه‌ها در نرخ واقعی بازار فاصله دارند. صادرکننده در چنین شرایطی باید هم ریسک‌های بین‌المللی را بپذیرد، هم هزینه‌های داخلی را بانرخ آزاد پرداخت کند و در نهایت از بازگشت سرمایه خود با نرخ رسمی رضایت دهد. طبیعی است که چنین وضعیتی نه اقتصادی است و نه قابل تداوم. به همین دلیل است که صادرات بسیاری از کالاها در ایران صرفه اقتصادی خود را از دست داده‌اند و تولیدکنندگان ترجیح می‌دهند یا به بازار داخلی محدود شوند یا در واردی فعالیت خود، را به کلی تعلیق کنند. در طرف مقابل، واردات عملاً به فعالیتی کم‌ریسک و بسیار پربازده تبدیل شده‌است، واردکننده از رانتی از ترجیحی یا نیماهی استفاده می‌کند، کالای خود را وارد می‌نماید و سپس در بازار داخلی آن را با قیمتی همراسا بتایخ ازدمی فروشد. این سازو کار سبب